

Conceptual Unity of Divine Attributes in Islamic Teachings: A Study of Ibn Sina's View¹

Mohsen Ghasempour*

Seyyed Abbas Zahabi**

(Received: 2021-09-04; Accepted: 2021-11-09)

Abstract

In the history of human thought, no fundamental issue has compelled man to ponder as much as the cognition of God, which is impossible except through His attributes, and the answer to which has been a serious demand of thinkers of every age, especially philosophers. In Islamic philosophy, Ibn Sina's thought, which as the most influential and stable ideas in the field of philosophy has caused profound intellectual changes, has special advantages in this regard. In the present article, by modeling his philosophical opinions in the space of Shiite thought, we explain how Ibn Sina's views on the basic issues of divine names and attributes i.e. "identity of attributes with essence", are related to his specific theory i.e. "conceptual unity of attributes". The research finding is that according to Ibn Sina's view, the "identity of attributes with essence" is in fact the basis of the theory of "conceptual unity of attributes" and the connection between the two subjects is essential. Therefore, Ibn Sina, based on a precise understanding of the "identity of attributes with essence", proposed his own theory on the "conceptual unity of attributes" and, contrary to the opinion of opponents and critics, explained and proved it with various arguments and statements.

Keywords: Divine Attributes, Conceptual Unity, Ibn Sina, Islamic Philosophy.

1. This article is taken from: Mohsen Qasempour, "Divine Attributes and Its Principles from the Perspectives of Sheikh Mofid and Ibn Sina", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Seyyed Abbas Zahabi, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* PhD Student in Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, ghasempour158@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Philosophy, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author), zahabi@srbiau.ac.ir.

«اتحاد مفهومی صفات الاهی» در آموزه‌های اسلامی: بررسی دیدگاه ابن‌سینا^۱

محسن قاسم‌پور*

سید عباس ذهبی**

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸]

چکیده

در تاریخ تفکر بشری هیچ مسئله بنیادینی به اندازه شناخت خدا، که جز به واسطه صفاتش مقدر نیست، بشر را به اندیشه وادار نکرده، و پاسخ به آن مطالبه‌ای جدی از متفکران هر عصر، خصوصاً فلاسفه، بوده است. در فکر فلسفی اسلامی نیز، اندیشه ابن‌سینا که به عنوان تأثیرگذارترین و پایدارترین اندیشه‌ها در حوزه فلسفه، تحولات فکری عمیقی را پس از خود سبب شده، از امتیازات ویژه‌ای در این زمینه برخوردار است. در این نوشتار می‌کوشیم با الگو قراردادن این فکر فلسفی در جغرافیای فکر شیعه، چگونگی رابطه هندسه آرای ابن‌سینا در محورهای اساسی بحث اسماء و صفات الاهی، یعنی «عینیت ذات و صفات»، را با نظریه اختصاصی وی، یعنی «اتحاد مفهومی صفات» تبیین کنیم. یافته نهایی پژوهش این است که در نظرگاه ابن‌سینا، «عینیت صفات با ذات» در حقیقت پایه و سنگ بنای نظریه «اتحاد مفهومی صفات» بوده و ملازمه بین هر دو عنوان ضروری است؛ لذا ابن‌سینا بر اساس فهم دقیق از «عینیت ذات و صفات» و به دنبال آن، این نظریه اختصاصی خود را در «اتحاد مفهومی صفات» مطرح کرده و برخلاف تصور مخالفان و منتقدان، آن را به کمک دلایل و بیان‌های متعددی، تشریح و مستدل کرده است.

کلیدواژه‌ها: صفات الاهی، اتحاد مفهومی، ابن‌سینا، فلسفه اسلامی.

۱. برگرفته از: محسن قاسم‌پور، صفات الاهی و مبانی آن از دیدگاه‌های شیخ مفید و ابن‌سینا، رساله دکتری، استاد راهنما: سید عباس ذهبی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، ۱۴۰۰.

* دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ghasempour158@gmail.com

** استادیار گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) zahabi@srbiau.ac.ir

مقدمه

در زیست‌بوم انسان متشرّع بالاترین مسئله حیات در درونی‌ترین لایه‌های نفس و در برون‌ترین واقعیت‌های اجتماعی را عبودیت تشکیل داده است (فخرالدین رازی، ۱۳۷۳: ۱۵۵/۳). نیز خداشناسی در مراتب توحید علمی و عینی مؤثرترین وجه از تشکیل رفتارهای فردی و اجتماعی انسان مسلمان خواهد بود (حسینی طهرانی، ۱۳۷۲: ۱۱) و ارتقای خداشناسی می‌تواند ارتقای حیات اجتماعی را دامن زند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۰)؛ این یعنی بی‌تردید، توحید حقیقی راز سعادت انسان است و لبّ حقیقت توحید چنانچه جُلّ تفاسیر توحیدی معتقدند، چیزی جز ادراک صفات الاهی نیست (ابن‌عربی، ۱۳۳۹: ۱۰۳). از این رو کوشیده‌ایم مبانی اندیشه یکی از اصلی‌ترین متفکران توحید را در نگاه دانشیان فلسفه بازخوانی کنیم.

ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ه.ق. / ۹۸۰-۱۰۳۷ م.) فیلسوف متبحر شیعه^۱ و رئیس مکتب مشاء، تحولات فکری بزرگی را در فلسفه دامن زده که گویای اهمیت فکر و اثرگذاری وی در آرای جوزجانی، نصیرالدین طوسی، فخر رازی و ملاصدرا است و بی‌تردید ظرف اندیشه‌ای خوبی خواهد بود تا در تحلیل فلسفی ما محل توجه قرار گیرد.

این پژوهش از این جهت مهم و متفاوت است که، اولاً بدانیم مبحث اسماء و صفات الاهی از مباحث الاهیاتی است که فروع مختلفی دارد که هر یک در علوم گوناگون اسلامی همچون تفسیر، فقه‌الحديث، کلام، فلسفه و عرفان بررسی می‌شود (روحی برندق و امینی، ۱۳۹۴: ۱۲۲)؛ ثانیاً هرچند تحقیقاتی درباره دیدگاه‌های ابن‌سینا راجع به صفات الاهی و نیز مقایسه آن در اسلام و مسیحیت انجام شده، اما سودمند به مقصود نبوده است، چراکه در این میان تعدادی فقط به بحث «عینیت مصداقی ذات و صفات» پرداخته‌اند (گرجیان و احمدی، ۱۳۹۴؛ خالقیان، ۱۳۸۸؛ خادمی و شریعتی، ۱۳۹۵)؛ دیگران هم که به موضوع «اتحاد مفهومی صفات» پرداخته‌اند، هرچند گاه مفید و راهگشا بوده اما تفصیل لازم برای تعمیق و تکمیل این بحث را نداشته است (ذبیحی، ۱۳۸۳؛ ذبیحی و ایرجی‌نیا، ۱۳۹۳؛ ذبیحی و ایرجی‌نیا، ۱۳۸۸)؛ در مقابل، برخی در بیان مطلب ناکافی بوده است

(زمانی، ۱۳۹۴؛ حکیمی و دهباشی، ۱۳۹۵) و بعضی در اثبات مدعا ناکارآمد (صادقی، ۱۳۸۸؛ ایرجی‌نیا، ۱۳۹۵) و در شماری نیز، مخالفت‌های غیرمدققانه صورت پذیرفته است (احمدوند، ۱۳۹۳؛ امامی جمعه و خلیفه سلطانی، ۱۳۹۵) که ضرورت این پژوهش را ایجاب می‌کند.

لذا پرسش اصلی این پژوهش تمرکز بر چگونگی و تحلیل صحیح رابطه هندسه آرای ابن‌سینا در محورهای اساسی بحث اسماء و صفات الاهی، خصوصاً «عینیت مصداقی ذات و صفات» با نظریه «اتحاد مفهومی صفات»، خواهد بود.

درآمد: تحلیل مؤلفه‌های محوری مبحث «اسماء و صفات الاهی»

درباره نگاه‌های مختلف در باب حدّ توانایی عقل در معرفت به صفات الاهی میان متفکران اسلامی پنج نظریه وجود دارد: ۱. تشبیه و تجسیم؛ ۲. اشتراک لفظی؛ ۳. الاهیات سلبی؛ ۴. تعطیل؛ ۵. اشتراک معنوی (نک: احدیان، ۱۳۹۰: ۲۳). دیدگاه پنجم منتخب اکثر حکما و متکلمان اسلامی است و البته شهرت بر این استوار شده که معتزله خلاف این را معتقدند و به سوی نفی صفات و نیابت ذات از صفات رفته‌اند، اما شیخ مفید در *اوائل المقالات* آنها را در این خصوص هم‌عقیده با امامیه می‌داند^۲ (نک: مفید، ۱۴۱۳: ۵۲).

در کلامی از امام رضا (ع)، که به این مضمون اشاره دارد، وجه قول جمهور امامیه در این باب، یعنی همان نظریه *اشتراک معنوی* که حاوی مبنای فلسفی ابن‌سینا هم هست، منکشف می‌شود؛ ایشان می‌فرمایند: «مردم در مورد توحید سه مذهب دارند: ۱. نفی؛ ۲. تشبیه؛ ۳. اثبات بدون تشبیه. پس مذهب نفی و تشبیه جایز نمی‌باشد... و راه [صحیح] در طریقه سوم یعنی اثبات بدون تشبیه است»^۳ (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۰۷). مراد از «مذهب نفی» همان روش معتزله است؛ احتمال دیگر، همان روش الاهیات سلبی است. مراد از «مذهب تشبیه» همان روش مشبّهه و مجسمه است؛ مراد از «اثبات بدون تشبیه» این است که اصل معنای صفت را برای خدا اثبات کند، اما خصوصیات مقارن آن معنا را که در مخلوقات و ممکنات است نفی کند؛ یعنی صفت را اثبات، و حدّ را نفی کند (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۲/۷).

از نظر ابن‌سینا نیز، صفات الاهی عین ذات الاهی است؛ مستند وی بر این مطلب، علت‌نداشتن واجب‌الوجود است. او واجب‌الوجود را از علل اربعه از جمله علت مادی و قابل‌بریء می‌شمرد. علت قابل‌مستعد قبول وجود و کمال است، در حالی که واجب‌تعالی کمال بالفعل محض است و هیچ جهت نقصی در او راه ندارد، بلکه همه کمالات برای او و از او بوده و مسبوق به ذات او هستند و هر گونه نقصی، هر چند مجازاً از او نفی شده است (نک: ابن‌سینا، ۱۴۰۴ ب: ۳۴۳).

اگرچه در کلمات ابن‌سینا لفظ «عینیت» به چشم نمی‌خورد، اما عباراتی که آورده دلالت روشنی بر عینیت ذات با صفات دارد، زیرا ذات را حقیقتی معرفی می‌کند که تمام کمالات، از جمله کمالات صفات، را بالفعل دارد و خالی‌بودن ذات از صفات را کاملاً رد کرده است (نک: ابن‌سینا، ۱۴۰۴ ب: ۲۴۵). «همانا علم و قدرت و حیات خداوند همگی یکی هستند، و هر چند اضافات او نسبت به دیگر موجودات متعدد می‌باشد ولی این نسبت‌ها قوام‌بخش ذات او نیستند که موجب کثرت ذات بشوند، بلکه تابع او هستند»^۴ (ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۳۳). همچنین، تعبیر معروف «واجب‌الوجود بذاته واجب‌الوجود از همه جهاتش است»^۵.

علی‌رغم اختلاف نظر میان محققان و پژوهشگران بعد از ابن‌سینا درباره نظریه اختصاصی وی، یعنی «اتحاد مفهومی»، در باب انتساب این عقیده، یعنی «عینیت مصداقی» به او، اختلافی نبوده و شواهد متعددی نیز می‌توان مطرح کرد.^۶

برآمد: بررسی رابطه صفات الاهی با یکدیگر یا همان «اتحاد مفهومی صفات»

متفکرانی که به عینیت صفات و ذات و عدم زیادت صفات بر ذات قائل شده‌اند، با این مشکل روبه‌رو شدند که ذات واجب، احدی‌المعنی، بسیط و غیرمرکب است؛ پس عینیت صفات متکثر با ذات واحد، موجب خلل در وحدت ذات است. آنها برای برطرف کردن این مشکل به اتحاد مصداقی صفات در ذات واجب و تغایر مفهومی آنها تمسک کرده‌اند؛^۷ به این معنا که اگرچه مفهوم «عالم» غیر از «قادر» و مفهوم این دو غیر از «حی» است، اما همه این مفاهیم در ذات واجب، مصداق واحد دارند و به وجود

واحدی موجودند. دلیل این گروه از فلاسفه، همان دلایل عدم زیادت صفات بر ذات و نیز بساطت وجود واجب است. وجه جمع این دو دلیل، اتحاد وجودی صفات با ذات و با یکدیگر است. در حقیقت، اتحاد مصداقی میان ذات الاهی و صفات او تعالی، به معنای عینیت و یگانگی ذات و صفات باری تعالی در عالم خارج و واقع است. این نظر به متکلمان امامیه و برخی از معتزله و نیز حکمای اسلامی منتسب است.^۸

چنانچه در بخش پیشین بیان شد، ابن‌سینا نیز به اتحاد مصداقی و وجودی صفات با ذات، و صفات با یکدیگر قائل شده، اما وی علاوه بر «عینیت مصداقی» به «اتحاد مفهومی» صفات با یکدیگر نیز قائل شده است.^۹ اتحاد مفهومی صفات الاهی بدین معنا است که نه تنها ذات و صفات دارای یک مصداق خارجی هستند و عینیت واقعی میانشان برقرار است (قول مشهور)، بلکه در عالم معنا و مفهوم نیز هیچ تفاوتی میان مفاهیم این صفات با یکدیگر وجود ندارد و از یک صفت، آنچه فهمیده می‌شود (مفهوم)، عیناً همان‌گونه است که از دیگر صفات الاهی به ذهن می‌آید و در حقیقت علاوه بر عالم خارج، در عالم ذهن و معنا هم میان صفات خدا یگانگی و اتحاد وجود دارد. این نظر که شاید در ابتدای امر خلاف مسلمات مشهور انگاشته شود، قبل از ابن‌سینا هیچ قائلی نداشته و قائم به او است؛

لذا تفسیر این نظر ابن‌سینا نیز بسیار سخت به نظر رسیده و به همین دلیل، در عین تلاش‌های صورت گرفته از جانب عده‌ای برای تبیین این نظریه همچون تمسک به برهان صدیقین که گفته‌اند «در نهایت پس از تثبیت برهان صدیقین و ترادف صفات و بیان ملازمه میان صفات و ذات و تبیین برهان شبه‌لم، همان ملازمات عامه، روشن می‌گردد که برهان اثبات ذات، همان برهان اثبات صفات و ترادف و تعریف آنها است» (ایرجی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۹)؛ و نیز تلاش‌های برخی برای تبیین معناسناختی این نظریه که نتیجه گرفته‌اند «مبنای آن (دیدگاه ابن‌سینا) اصالت دادن به کاربرد در تعیین معنای الفاظ است. او (ابن‌سینا) نقش وضع و قرارداد را در تعیین مفهوم صفات کم‌اهمیت دانسته و بر نحوه کاربرد تأکید می‌کند» (زمانی، ۱۳۹۴: ۲)؛ در مقابل، مخالفت بسیاری از فلاسفه، از جمله ملاصدرا، را نیز برانگیخته است؛^{۱۰} وی می‌گوید:

اگر قدرت، علم، حیات و اراده و دیگر مفاهیم، هم‌معنا باشند، یعنی هر آنچه از یکی از آنها می‌فهمیم، دقیقاً همان باشد که از دیگری فهمیده می‌شود، باید وقتی یکی از صفات را بر خداوند اطلاق می‌کنیم، نیازی به اطلاق دیگر صفات نداشته باشیم. به عبارت دیگر، در صورت اطلاق یک صفت که معنای صفات دیگر را داشته باشد، به‌کاربردن صفات دیگری برای خداوند فایده‌ای ندارد و این مطلبی است که بطلان آن آشکار و ظاهر بوده و منجر به تعطیل و الحاد می‌شود^{۱۱} (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۱۴۸).

در میان پاسخ‌های متعددی که به نقد وی داده شده، هرچند برخی در رفع این اختلاف، صرفاً به مصادره به مطلوب اکتفا کرده‌اند که «به نظر می‌رسد اتهام ملاصدرا صحیح نیست، زیرا ابن‌سینا با توجه و لحاظ مصداق سخن می‌گوید ... در نتیجه همان‌طوری که مصداق علم همان مصداق قدرت است، مفاهیم آنها هم با التفات به مصداق و حکایتگری از مصداق یکی هستند و این یعنی ترادف» (صادقی، ۱۳۸۸: ۵۶)؛ و عده‌ای هم در کمال تعجب هم ایراد ملاصدرا را وارد ندانسته‌اند و هم دیدگاه ابن‌سینا را مردود خوانده‌اند و نهایتاً نظر ملاصدرا را ترجیح داده‌اند! (نک: امامی جمعه، ۱۳۹۵: ۹۶)؛ اما برخی تا حدودی به فهم صحیح مذکور از نظریه ابن‌سینا نزدیک شده و گفته‌اند:

ملاصدرا صفات را با حیثیاتی در نظر می‌گیرد که این حیثیات، مخلوق ذهن اویند و این حیثیات جایگاهی را در حقیقت وجود به خود اختصاص نمی‌دهند. بنابراین، او با بیان صفات، خداوندی را به تصویر می‌کشد که بشر در مورد او چنین می‌اندیشد (ذبیحی و ایرجی‌نیا، ۱۳۹۳: ۶).

همچنین، علی‌رغم اینکه بعضی تصور کرده‌اند ابن‌سینا بدون استدلال این نظر را مطرح کرده و گفته‌اند «شاید ابن‌سینا با همان دلایل وحدت مصداقی قصد داشته اتحاد مفهومی را هم تبیین کند؛ یا در کنار وحدت مصداقی ادعای اتحاد مفهومی را نیز مطرح کرده، بدون آنکه برای اثبات آن استدلالی اقامه کرده باشد؛ به هر حال عبارات او در بیان ادعای اتحاد مفهومی صفات خداوند صراحت دارند؛ اما هیچ قیاس و استدلالی که روش

همیشگی او است برای اثبات آن بیان نکرده است» (احمدوند، ۱۳۹۳: ۶۲) و برخی نیز این‌گونه گفته‌اند که «چرا شیخ در مسئله‌ای با این همه اهمیت که معرکه آرای بین متقدمان و متأخران از متکلمان و فلاسفه است فقط به تصریحات در این زمینه اکتفا نموده و مسئله را به صورت قیاسی و استدلالی که روش همیشگی او در مباحث علمی است بیان نکرده است، آیا مسئله را فارغ از استدلال می‌دانسته یا استدلالی روشن بر آن نیافته تا آن را ارائه نماید؟ ... از این رو باید گفت او مسئله را مفروغ‌عنه شمرده است» (ذبیحی، ۱۳۸۳: ۱۳)، اما از نظر ما در عبارات او به‌خوبی استدلال‌هایی بر این مدعا مشهود است که در ادامه تشریح و تبیین خواهیم کرد؛

مبتنی بر توضیحات فوق، ضروری به نظر می‌رسد برای فهم درست و یافتن درک صحیح از مراد ابن‌سینا از این نظریه، ابتدا به مواضعی که ابن‌سینا این مطلب را مطرح کرده است مراجعه کنیم، و سپس به کیفیت مطرح کردن آن بپردازیم؛

بررسی عبارات ابن‌سینا در کتب مختلفش^{۱۲} این حقیقت را آشکار می‌کند که وی بدون تردید به نظریه «اتحاد مفهومی و مصداقی صفات با یکدیگر» قائل است؛ اما پرسش اینجا است که آیا نظر وی، دارای همین ظاهر است یا ورای آن باطنی وجود دارد که باید از طریق دیگر آرا و نظریات وی از آن پرده برداشت؟! پیش از پاسخ‌گویی به پرسش فوق، ذکر دو نکته لازم است؛ اولاً، برخی عبارات آتی که از آن اتحاد مفهومی برداشت شده، اساساً بر این معنا دلالت ندارند؛ ثانیاً، بیشتر عبارات ابن‌سینا که بر این معنا دلالت دارند، اگر همراه با عبارت کتاب *المبدأ والمعاد* معنا شوند، محمل واقعی خود را می‌یابند و با کنار هم قراردادن این عبارات، از فهم ساده و ابتدایی از عبارات وی عبور خواهیم کرد و به معنای واقعی و مقصود ابن‌سینا خواهیم رسید؛

وی گاهی این نظر را بین دو یا چند صفت خاص مطرح کرده است. مثلاً می‌گوید این دو صفت مفهوماً یکی هستند و گاهی نیز به طور کلی نظر خود را ابراز داشته است که صفات واجب مفهوماً و مصداقاً اتحاد دارند. مثلاً درباره صفت «علم» و «اراده» هم در کتاب *الاهیات شفا* و هم در کتاب *نجات* به این مطلب چنین تصریح می‌کند: «اراده واجب‌الوجود ذاتاً و مفهوماً مغایر علم او نیست و ما علمی را که بعینه اراده است تبیین

«اتحاد مفهومی صفات الاهی» در آموزه‌های اسلامی: بررسی دیدگاه ابن‌سینا / ۳۷

کردیم»^{۱۳} (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ ب: ۳۶۷؛ همو، ۱۳۷۹: ۲۱)؛ همچنین، در کتاب *المبدأ والمعاد* به عدم تخالف مفهومی علم، قدرت، اراده، حکمت، حیات و جود تصریح می‌کند (همو، ۱۳۶۳: ۱۹). قریب به همین صفات را نیز در کتاب *نجات* بررسی می‌کند (همو، ۱۳۷۹: ۲۴۹). اما در کتاب *تعلیقات*، با عنوانی کلی به این موضوع می‌پردازد و می‌گوید:

تکثر واجب‌الوجود نه در معنا [مفهوم] و نه در تشخص [مصادق] صحیح نمی‌باشد. شیء هنگامی که متکثر می‌شود یا این تکثر در معنا است و هر معنایی در ذاتش واحد است و در حقیقتش متکثر نیست، و یا این تکثر در تشخص است پس تشخص واجب این است که او «او» است. پس تشخص و «او» بودنش یک چیز است و او نفس ذاتش و حقیقتش است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ الف: ۶۲).

هرچند برخی (ذبیحی، ۱۳۸۳: ۱۳)، از این عبارت اخیر نیز اتحاد مفهومی مد نظر ابن‌سینا را برداشت کرده‌اند اما این برداشت صحیح به نظر نمی‌رسد. مقصود این عبارت، اثبات عدم تکثر در وجود واجب است. به همین منظور می‌گوید معنای واجب‌الوجود مانند هر معنای دیگری به خودی خود مقتضای تکثر نیست، بلکه هر معنایی حکایت از حقیقتی واحده دارد، حال اگر تشخص این معنا از خود آن معنا باشد، پس باید در تشخص نیز واحد باشد. پس مشخص می‌شود که در اینجا صحبتی از اتحاد مفهومی صفات واجب نیست.

چنانچه اشاره رفت، ابن‌سینا در کتاب *المبدأ والمعاد* عبارتی دارد که مشابه آن در دیگر کتب وی نیست و بسیار مهم به نظر می‌رسد. او در این کتاب چنین توضیح می‌دهد: «حیات مطلق و علم مطلق و اراده مطلق مفهومی واحد ندارند، بلکه مطلقات فقط توهم می‌شوند؛ در حالی که موجودات غیرمطلق هستند. پس هنگامی که چنین است، وجود لوازم صادره از او [= واجب‌الوجود] همان وجوب وجود آنها [= لوازم] است»^{۱۴} (ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۲۱). برخی محققان گفته‌اند:

در تغایر مفهومی میان هر یک از مفاهیم «علم» و «قدرت» و «حیات» تردیدی وجود ندارد، اما ابن‌سینا می‌گوید اگر هر یک از این مفاهیم رها در نظر گرفته

شوند با یکدیگر مغایر خواهند بود؛ اما اگر با ملاحظه ذات واجب در نظر گرفته شوند، متحد می‌باشند. تغایری میان مفهوم «علم» و «قدرت» اگر با ملاحظه ذات واجب در نظر گرفته شوند، وجود ندارد. چراکه این مفاهیم به صورت جداگانه و بدون در نظر گرفتن ذات واجب برای ما مفهوم نشده‌اند؛ هر مفهومی بدون در نظر گرفتن مصادیقش، متعدد می‌باشد، اما اگر مفهوم را با قید مصداق در نظر بگیریم، تمامی مفهومی‌هایی که از آن مصداق واحد حکایت می‌کنند، دارای یک معنا خواهند بود که در نتیجه همه مفاهیمی که بر این ذات حمل می‌گردند، دیگر معنای جداگانه و بیگانه از یکدیگر نخواهند داشت (نک: ذبیحی، ۱۳۸۳: ۱۳).

این برداشت گرچه صرفاً جزئی از نتیجه و تحلیل پیش رو است و تفصیل و تعمیق بیان‌شده در این پژوهش را ندارد، اما در مقام مؤید این بیان واقع خواهد شد. با ملاحظه عبارت فوق و به انضمام عبارات اکثر کتب بوعلی می‌توان نظریه اتحاد مفهومی ابن‌سینا را چنین توضیح داد که اگر در مفهوم «علم واجب» مذاقه کنیم، خواهیم یافت که «علم واجب» همان «منشأ صدور عالم» است. «قدرت» نیز همان «منشأ صدور افعال» است. پس «علم» و «قدرت» در خصوص واجب، مفهوم واحدی دارند که همان «منشأ صدور فعل» است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ الف: ۶۱). برخلاف علمی که معمولاً در انسان‌ها یافت می‌شود؛ زیرا علم انسان‌ها معمولاً انفعالی و معلول وجود معلوم خارجی است. پس علم در انسان، مفهومی جدای از قدرت دارد (همان: ۶۲). البته ممکن است در انسان‌ها نیز گاهی علم همان قدرت باشد؛ مانند مثال معروفی که شخصی بالای ستونی ایستاده و تصور افتادن در ذهن او، علت افتادنش می‌شود یا شخصی که در حرفه‌ای مهارت یافته است، این مهارت هم علم است و هم قدرت.

«اراده» نیز وضعیتی این‌چنین دارد؛ اراده و قصد انسان، جدای از قوه علم و تصور انسان است. چون انسان از جهاتی بالقوه و از جهاتی بالفعل است؛ لذا پس از تصور یک شیء برای صادر شدن آن شیء از انسان، نیاز به قوای دیگری هم هست تا آن فعل بالقوه به مرحله فعلیت برسد (ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۱۸). اما «اراده» درباره واجب، همان «رضایت به ذات بالذات و رضایت به فعل بالعرض» است و این «رضایت» همان «علم به ذات و به

فعل است» نه امری زائد تا اینکه قوه‌ای امکانی در واجب در نظر گرفته شود که به وسیله دواعی خارج از ذات بالفعل شود (همان: ۱۹).

توضیح اینکه، واجب علم به ذات دارد، یعنی ادراک ذات دارد، یعنی زیباترین موجود را درک می‌کند و «درک زیباترین موجود به کامل‌ترین وجه»، همان «رضایت و عشق به ذات بالذات» است؛ پس مفهوم ادراک (علم) و اراده (رضایت) بالذات یکی شد (همو، ۱۴۰۴ الف: ۱۶). در حقیقت «رضایت از ذات واجب» همان «درک ذات واجب» است. همین علم به ذات، علت علم به معلول ذات است؛ پس همان‌طور که عاشق ذات است بالذات، عاشق معلول ذات است بالعرض؛ با این توضیح واضح شد که «رضایت واجب» معنایی جز «علم و درک واجب» ندارد (همو، ۱۴۰۴ ب: ۳۶۷).

پس در مفهوم «علم واجب»، هم «منشئیت صدور» نهفته است و هم «رضایت». اینکه تأکید می‌شود در مفهوم، نه فقط در مصداق، به این دلیل است که اگر در مفهوم علمی که برای واجب در نظر گرفته می‌شود، منشئیت صدور نباشد، پس این علم، انفعالی است و موجب نقص واجب است. پس باید مفهوم به گونه‌ای اعتبار شود که حاکی از نسبت امکان به واجب نباشد و فقط در صورتی چنین مفهومی می‌توان لحاظ کرد که دربردارنده «قدرت» و «اراده» نیز باشد (همو، ۱۳۷۹: ۲۱).

«حیات» نیز همین‌گونه است؛ زیرا حیات در انسان با ادراک و فعلی کامل می‌شود که از دو قوه مختلف صادر می‌شوند، در حالی که «علم واجب» بعینه همان «منشأ صدور بودن واجب» است، پس «حیات واجب» امر مغایری که حاصل «علم» و «قدرت» است نیست، بلکه عین «علم»ی است که آن، عین «قدرت» و هر دو عین «ذات» است (همو، ۱۳۶۳: ۱۹). مجدداً تأکید می‌شود که نه فقط وجود «حیات» در واجب چنین است، بلکه اگر مفهومی صحیح از «حیات» بتوان برای واجب در نظر گرفت که موجب تکثر در ذات نباشد، باید مفهومی باشد که حاصل دو قوه علم و فعل نباشد (همان: ۲۰).

ابن‌سینا «جود» را نیز، «فیض بی‌غرض» معنا می‌کند. بنا بر معنایی که در «اراده» گذشت که واجب در صدور فیض از ذاتش به دنبال قصد و غرضی نیست، پس «جود» او نیز همان نفس «اراده» او است (همو، ۱۴۰۴ ب: ۳۶۸).

سرآمد

نتیجه حاصل از تبیین و تحلیل صورت گرفته چنین است: منظور ابن‌سینا از اینکه صفات الاهی از حیث معنا و مفهوم یکی هستند، یکسانی تقرر مفهومی این صفات است. بی‌تردید با توجه به لحاظ‌های سلبی یا اضافی و سلبی و اضافی با هم که در هر صفتی نهفته است، همه صفتهایی که بر خدا حمل می‌شوند، یک معنا و حقیقت دارند و آن، همان صفت اصلی ذات خدا است که ابن‌سینا از آن به «ان» و «موجود» یاد می‌کند. بنابراین، مبتنی بر توضیحات فوق و با در نظر گرفتن این مبنای مشترک و مستخرج از عبارات و آرای وی، مشخص می‌شود که «عینیت صفات با ذات» در حقیقت پایه و سنگ بنای نظریه «اتحاد مفهومی صفات» بوده و ملازمه بین هر دو عنوان ضروری است؛ لذا ابن‌سینا بر اساس فهم دقیق از «عینیت ذات و صفات» و به دنبال آن، این نظریه اختصاصی‌اش را در «اتحاد مفهومی صفات» مطرح کرده است؛ اوج توحید امامی، که تأکید نصوص از روایات خداشناسی نیز آن را تأیید می‌کند؛ بر این اساس، فهم از روایت «كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۹) که شاهد از عینیت مصداقی صفات و ذات تلقی شده است، علاوه بر دلالت بر آن، اتحاد مفهومی صفات را نیز با تبیین فوق تثبیت خواهد کرد.^{۱۰}

پی‌نوشت‌ها

۱. یکی از پرسش‌های رایج درباره ابن‌سینا این است که وی چه مذهبی داشت. با اینکه ابن‌سینا هیچ‌گاه در آثارش به مذهبش تصریح نکرد، اما با مطالعه آثار وی و بررسی شواهد تاریخی، می‌توان به مذهبش پی برد. لذا شواهد ذیل را در کشف مذهب ابن‌سینا بررسی می‌کنیم:

درباره مذهب خاندان ابن‌سینا باید گفت وی بیشتر عمرش را در محیط‌های شیعی زیسته و بالیده است؛ خاندانش پیرو مذهب «شیعه اسماعیلی» و در ترویج این مذهب فعال بودند (ابن‌سینا، ۱۳۵۰: ۱۷).

درباره رابطه ابن‌سینا با حکومت‌های شیعه و سنی، او با حکومت سامانی که رابطه متخاصمانه‌ای با شیعیان نداشت و حکومت آل‌بویه و آل‌زیار که حکومت‌هایی شیعی بودند، همکاری کرد، در حالی که دعوت سلطان محمود غزنوی به دربارش را، که سلطان متعصب سنی و از دشمنان شیعه بود، نپذیرفت. در سرگذشت ابن‌سینا می‌خوانیم پس از آنکه سلطان محمود غزنوی، بوعلی و دانشمندانی همانند ابوریحان بیرونی را به دربارش دعوت کرد، ابن‌سینا از رفتن سرباز زد (مجتبایی، «ابن‌سینا»، ج ۴، مقاله ۱۳۵۶).

در باب نظر ابن‌سینا درباره انتخاب امام و خلیفه نیز وی در کتاب *شفاء* می‌نویسد: «برگزیدن خلیفه برای پیامبر، یا با «نص» است و یا با «اجماع»؛ اما برگزیدن با «نص» درست‌تر است» (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ ب: ۴۵۴). روشن است که این سخن با اصول اعتقادی شیعه سازگار است؛ زیرا اهل سنت خلیفه را با «اجماع» و بیعت انتخاب می‌کنند نه با «نص»؛ بنابراین، ابن‌سینا پیرو اصول اعتقادی شیعه است.

در باب روش معرفتی ابن‌سینا در عقاید نیز وی فیلسوفی بود که عقایدش را بر پایه براهین فلسفی بنا نهاده بود، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق اهل سنت، به جز معتزله، مخالف فلسفه و روش عقلی در عقایدند. ابن‌سینا احیاگر فلسفه مشاء است؛ پایه‌های این فلسفه بر اساس برهان‌های عقلی صرف استوار است که البته این شیوه با مبانی اعتقادی اهل سنت ناسازگار است. زیرا اصول اعتقادی اهل سنت بر اطاعت محض و تقلید بنا شده که با براهین عقلی به شدت در تضاد است. در حالی که شیعه تقلید و اطاعت در اصول اعتقادی را مذمت می‌کند. به عبارتی، نظام فکری ابن‌سینا در اصول دین بر پایه براهین عقلی است که از این حیث با روش اهل سنت در تضاد است (کیانی، ۱۳۱۴: ۱۲۲-۱۲۹).
۲. از میان معتزلیان سخنان ابی‌هذیل علف با این قول سازگار است: «هو عالم بعلم هو هو و هو قادر بقدره هی هو و هو حی بحیة هی هو» (اشعری، ۱۴۰۰: ۱۶۵).

۳. «لنّاس فی التوحید ثلاثة مذاهب نفی و تشبیه و إثبات بغیر تشبیه فمذهب النفی لا یجوز و مذهب التشبیه لا یجوز لأنّ الله تبارک و تعالی لا یشبهه شیء و السبیل فی الطریقة الثالثة إثبات بلا تشبیه».
۴. «ان قدرته و حیاته و علمه واحد؛ و اذا كانت له اضافات الی الموجودات الکائنة عنه فلیست مقومّة لذاته، بل تابعة له».

۵. «أنّ واجب الوجود بذاته واجب الوجود من جمیع جهاته» (ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۶).

۶. برای آشنایی بیشتر در این خصوص نک: احمدوند، ۱۳۹۳؛ ذبیحی و ایرجی‌نیا، ۱۳۹۳؛ ذبیحی و ایرجی‌نیا، ۱۳۸۸.

۷. برای تکمیل و تعمیق این بحث می‌توانید به آدرس ذیل رجوع کنید: سبحانی، ۱۳۹۱: ۷-۲۴.

۸. و در مقابل، قول منسوب به متکلمان صفاتیّه و اشعریه است که صفات الاهی را زائد بر ذات او، تعالی، می‌انگارند (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱۰۵/۱) و (سبحانی، ۱۴۱۷: ۸۵/۲ و ۴۱۹/۳ و ۲۰۳/۹). برای آشنایی و اطلاع بیشتر نک: اعتصامی، برنجکار، و رضایی، ۱۳۹۸؛ گرجیان و احمدی، ۱۳۹۴؛ خالقیان، ۱۳۸۸.

۹. در این خصوص نک: ذبیحی، ۱۳۸۳؛ حکیمی و دهباشی، ۱۳۹۵.

۱۰. برای اطلاع بیشتر نک: خادمی و شریعتی، ۱۳۹۵.

۱۱. «واعلم أنّ كثيراً من العقلاء المدققین ظنوا أنّ معنی کون صفاته تعالی عین ذاته هو أنّ معانیها و مفهوماتها لیست متغایرة، بل کلها ترجع الی معنی واحد و هذا ظن فاسد و وهم کاسد».

۱۲. از جمله المبدأ والمعاد (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۱۹)؛ تعلیقات (ابن سینا، ۱۴۰۴ الف: ۶۲)؛ الاهیات شفا (ابن سینا، ۱۴۰۴ ب: ۳۶۷) و النجاة من الغرق فی بحر الضلالت (ابن سینا، ۱۳۷۹: ۲۱).
۱۳. «فواجب الوجود لیست ارادته مغایرة الذات لعلمه و لا مغایرة المفهوم لعلمه فقد بینا أن العلم الذی له بعینه هو الارادة التی له» و «فاذا لیس ارادته مغایرة الذات لعلمه و لا مغایرة المفهوم لعلمه و قد بینا أن العلم الذی له هو بعینه الارادة التی له».
۱۴. «و أما الحیة علی الاطلاق والعلم علی الاطلاق والارادة علی الاطلاق فلیست واحدة المفهوم، و لكن المطلقات متوهمة والموجودات غیر مطلقة، بل لكل ما یجوز أن یشکل له. و إنما کلامنا فی أمره والعلم والقدرة التی یجوز أن یوصف بها الواجب الوجود، و إذا کان كذلك کان وجود لوازمه الصادرة عنه هو وجوب وجودها».
۱۵. جای تعجب است عده‌ای خلاف این فحوای ظاهر قریب به اظهر و تصریح نزدیک به نص را فهمیده و اجتهاد کرده‌اند که «نظریه اتحاد مفهومی صفات نه تنها با روایات نفی کننده صفات سازگار نیست، بلکه با آنها مخالفت دارد» (احمدوند، ۱۳۹۳: ۶۲).

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبد الله (۱۴۰۴ الف). *التعلیقات*، بیروت: مكتبة الاعلام الاسلامی.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله (۱۴۰۴ ب). *الشفاء (الالهیات)*، قم: مكتبة آية الله المرعشی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۵۰). *رساله اضحویة*، تصحیح و مقدمه و تعلیق: حسین خدیو جم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۳). *المبدأ والمعاد*، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹). *النجاة من الغرق فی بحر الضلالات*، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن عربی، محیی‌الدین (۱۳۳۹). *التدبیرات الالهیة فی اصلاح المملكة الانسانیة*، دمشق: مصادر الاسلامیة.
- احدیان، ناهید (۱۳۹۰). «بررسی اشتراک لفظی و معنوی در اسماء و صفات الاهی در آیات و روایات»، در: *آموزش معارف اسلامی*، س ۲۳، ش ۳، ص ۵۸-۶۱.
- احمدوند، معروف‌علی (۱۳۹۳). «بررسی و نقد نظریه اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات الاهی»، در: *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، ش ۶۲، ص ۱۷۵-۱۹۴.
- اشعری، ابوالحسن (۱۴۰۰). *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، ویسبادن: فرانس شتاینر.
- اعتصامی، عبدالهادی؛ برنجکار، رضا؛ رضایی، محمدجعفر (۱۳۹۸). «وجودشناختی صفات الاهی از منظر متکلمان مدرسه بغداد»، در: *شیعه پژوهی*، ش ۱۶، ص ۵-۲۹.
- امامی جمعه، مهدی؛ خلیفه سلطانی، سید معین‌الدین (۱۳۹۵). «نقد و بررسی اختلاف نظر ابن‌سینا و ملاصدرا درباره اتحاد و اختلاف مفهومی اسماء و صفات حق تعالی»، در: *جستارهایی در فلسفه و کلام*، ش ۹۶، ص ۳۱-۴۰.
- ایرجی‌نیا، اعظم (۱۳۹۵). «برهان صدیقین و تأثیر آن در نظریه‌ی ترادف صفات الاهی از دیدگاه ابن‌سینا»، در: *آموزه‌های فلسفه اسلامی*، ش ۱۹، ص ۳-۲۴.
- جهامی، جیرار (۱۴۲۵). *موسوعة مصطلحات ابن‌سینا (الشیخ رئیس)*، بیروت: مكتبة لبنان ناشرون، الطبعة الاولى.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران: نشر انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۳۷۲). *توحید علمی و عینی*، مشهد: نشر علامه طباطبایی، چاپ دوم.

- حکیمی، فریده؛ دهباشی، مهدی (۱۳۹۵). «ذات و صفات الاهی از نگاه ابن‌سینا و غزالی»، در: *مطالعات فقهی و فلسفی*، س ۷، ش ۲۶، ص ۹۵-۱۲۰.
- خادمی، حمیدرضا؛ شریعتی، سلمان (۱۳۹۵). «تبیین رابطه صفات ذاتی و ذات واجب از دیدگاه ملاصدرا»، در: *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، ش ۶۸، ص ۱۰۸-۸۹.
- خالقیان، فضل‌الله (۱۳۸۸). «مسئله عینیت ذات و صفات الاهی و کاوشی در نهج‌البلاغه»، در: *پژوهش‌های نهج‌البلاغه*، ش ۲۵-۲۶، ص ۷۰-۷۹.
- ذبیحی، محمد (۱۳۸۳). «اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات واجب‌تعالی از دیدگاه ابن‌سینا»، در: *اندیشه دینی*، ش ۱۳، ص ۲۹-۴۶.
- ذبیحی، محمد؛ ایرجی‌نیا، اعظم (۱۳۸۸). «صفات الاهی از نگاه ابن‌سینا و توماس آکوئیناس»، در: *فلسفه دین*، ش ۲، ص ۲۹-۵۸.
- ذبیحی، محمد؛ ایرجی‌نیا، اعظم (۱۳۹۳). «بررسی وجودشناختی صفات الاهی از دیدگاه ابن‌سینا همراه با نقد ملاصدرا»، در: *پژوهش‌های هستی‌شناختی*، س ۳، ش ۶، ص ۲۵-۴۴.
- روحی برندق، کاووس؛ امینی، نوروز (۱۳۹۴). «معنا و مصداق اسم ظاهر و اسم مکنون خدا در روایت ابراهیم بن عمر»، در: *حکمت اسراء*، ش ۲۳، ص ۵-۲۶.
- زمانی، مهدی (۱۳۹۴). «ملاحظات معناشناختی در تحلیل مسئله اتحاد و تغایر مفهومی صفات خداوند از دیدگاه ابن‌سینا و ملاصدرا»، در: *فلسفه دین*، س ۱۲، ش ۲، ص ۲۵۹-۲۹۰.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۱). «توحید صفاتی»، در: *کلام اسلامی*، دوره ۲۱، ش ۸۴، ص ۷-۲۴.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۲). *الالهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل*، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۷). *بحوث فی الملل والنحل*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سید رضی (۱۴۱۴). *نهج‌البلاغه*، قم: دار الهجرة، چاپ اول.
- شهرستانی، محمد بن عبد‌الکریم (۱۳۶۴). *الملل والنحل*، قم، چاپ سوم.
- صادقی، مرضیه (۱۳۸۸). «طرح آشتی ترادف سینوی و عینیت صدرایی در باب صفات الاهی»، در: *خردنامه صدرا*، ش ۵۶، ص ۴۵-۵۳.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱). *الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة*، بیروت: دار احیاء التراث، الطبعة الثالثة.

«اتحاد مفهومی صفات الاهی» در آموزه‌های اسلامی: بررسی دیدگاه ابن‌سینا / ۴۵

صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸). *التوحید*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: مکتبه النشر الاسلامی.

فخرالدین رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۳). *شرح عیون الحکمة*، قم: مؤسسة الصادق (ع)، چاپ اول، ج ۳.

کیانی، منصور (۱۳۱۴). «ابوعلی سینا در آینه تاریخ»، در: *مبلغان*، ش ۱۷۳، ص ۱۲۲-۱۲۹.

گرجیان، محمدمهدی؛ احمدی، سعید (۱۳۹۴). «بررسی عینیت صفات واجب‌تعالی با ذات با بهره‌گیری

از حیثیت تقييدیه»، در: *قبسات*، ش ۷۵، ص ۷۷-۹۶.

مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۹۸). «ابن‌سینا»، در: *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: بنیاد دائرةالمعارف بزرگ

اسلامی، ج ۴، مقاله ۱۳۵۶.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). *أوائل المقالات فی المذاهب والمختارات*، قم: المؤتمر العالمی

للشیخ المفید.

References

- Ahadiyan, Nahid. 2011. "Barresi Eshterakat Lafzi wa Manawi dar Asma wa Sefat Elahi dar Ayat wa Rewayat (Examining Words with Several Meanings and Words with Several Instances)", in: *Islamic Education*, yr. 23, no. 3, pp. 58-61. [in Farsi]
- Ahmadwand, Maruf Ali. 2014. "Barresi wa Naghd Nazariyeh Ettehad Mafhumi wa Mesdaghi Zat wa Sefat Elahi (Review and Critique of the Theory of Conceptual and External Unity of Divine Essence and Attributes)", in: *Theological Philosophical Research*, yr. 62, pp. 175-194. [in Farsi]
- Ashari, Abu al-Hasan. 2021. *Maghalat al-Islamiyin wa Ekhtelaf al-Mosallin (Islamists' Statements and Difference Between Worshipers)*, Wiesbaden: France Steiner. [in Arabic]
- Etesami, Abd al-Hadi; Berenjkari, Reza; Rezayi, Mohammad Jafar. 2019. "Wojudshenakhti Sefat Elahi az Manzar Motekalleman Madreseh Baghdad (Ontology of Divine Attributes from the Perspective of Baghdad School Theologians)", in: *Shia Studies*, no. 16, pp. 5-29. [in Farsi]
- Fakhr al-Din Razi, Mohammad ibn Omar. 1994. *Sharh Oyun al-Hekmah (Commentary of the Book Springs of Wisdom)*, Qom: Al-Sadegh (AS) Institute, First Edition, vol. 3. [in Arabic]
- Gorjiyan, Mohammad Mahdi; Ahmadi, Said. 2015. "Barresi Eyniyat Sefat Wajeb Taala ba Zat ba Bahregiri az Heythiyat Taghyidiyeh (Examining the Identity of Necessary Being's Attributes with His Essence by Using Restrictive Status)", in: *Ghabasat*, no. 75, pp. 77-96. [in Farsi]
- Hakimi, Farideh; Dehbashi, Mahdi. 2016. "Zat wa Sefat Elahi az Negah Ibn Sina wa Ghazali (Divine Essence and Attributes from the Viewpoint of Ibn Sina and Ghazali)", in: *Jurisprudential and Philosophical Studies*, yr. 7, no. 26, pp. 95-120. [in Farsi]
- Hoseyni Khamenei, Seyyed Ali. 2009. *Tarh Kolli Andisheh Islami dar Quran (Outline of Islamic Thought in the Quran)*, Tehran: Publication of the Islamic Revolution, First Edition. [in Farsi]
- Hoseyni Tehrani, Mohammad Hoseyn. 1993. *Tohid Elmi wa Eyni (Scientific and Objective Monotheism)*, Mashhad: Allameh Tabatabai Publications, Second Editio. [in Farsi]
- Ibn Arabi, Mohyi al-Din. 1921. *Al-Tadbirat al-Elahiyah fi Eslah al-Mamlekeh al-Ensaniyah (Divine Plans in Reforming the Human Kingdom)*, Damascus: Islamic Sources. [in Arabic]

- Ibn Sina, Hosayn ibn Abdollah. 1971. *Resalah Azhawiyah*, Edited, Foreworded & Annotated by Hoseyn Khadiwjam, Tehran: Iranian Culture Foundation.
- Ibn Sina, Hosayn ibn Abdollah. 1984 a. *Al-Talighat*, Beirut: Islamic Media Library.
- Ibn Sina, Hosayn ibn Abdollah. 1984 b. *Al-Shefa (Al-Elahiyat)*, Qom: Ayatollah Marashi Library.
- Ibn Sina, Hosayn ibn Abdollah. 1984. *Al-Mabda wa al-Maad (Origin and Resurrection)*, Tehran: Institute of Islamic Studies. [in Arabic]
- Ibn Sina, Hosayn ibn Abdollah. 2000. *Al-Nejat men al-Gharq fi Bahr al-Zelalat*, Tehran: University of Tehran. [in Arabic]
- Imami Jomah, Mahdi; Khalifeh Soltani, Seyyed Moin al-Din. 2016. "Naghd wa Barresi Ekhtelaf Nazar Ibn Sina wa Molla Sadra Darbareh Ettehad wa Ekhtelaf Mafhumi Asma wa Sefat Hagh Taala (Disagreement between Ibn Sina and Molla Sadra on the Conceptual Unity and Difference of the Names and Attributes of the Supreme Being: Review and Critique)", in: *Essays in Philosophy and Theology*, no. 96, pp. 31-40. [in Farsi]
- Irajiniya, Azam. 2016. "Borhan Seddighin wa Tathir An dar Nazariyeh Taradof Sefat Elahi az Didgah Ibn Sina (The Argument of the Truthful and Its Effect on the Theory of Synonymy of Divine Attributes from Ibn Sina's Point of View)", in: *Teachings of Islamic Philosophy*, no. 19, pp. 3-24. [in Farsi]
- Jahami, Jirar. 2004. *Mawsuah Mostalahat Ibn Sina al-Sheikh al-Rais (Encyclopedia of Ibn Sina's Terms Sheikh al-Rais)*, Beirut: Lebanese Publishers Library, First Edition. [in Arabic]
- Khademi, Hamid Reza; Shariati, Salman. 2016. "Tabyin Rabeteh Sefat Zati wa Zat Wajeb az Didgah Molla Sadra (Explaining the Relationship between Intrinsic Attributes and Necessary Being from Molla Sadra's Point of View)", in: *Theological Philosophical Research*, no. 68, pp. 89-108. [in Farsi]
- Khaleghiyani, Fazlollah. 2009. "Masaleh Eyniyat Zat wa Sefat Elahi wa Kawoshi dar Nahj al-Balagheh (A Study in Nahj al-Balagheh: Identity of God's Attributes with His Essence)", in: *Nahj al-Balagheh Research*, no. 25-26, pp. 70-79. [in Farsi]
- Kiyani, Mansur. 1935. "Abu Ali Sina dar Ayineh Tarikh (Abu Ali Sina in the Mirror of History)", in: *Missionaries*, no. 173, pp. 122-129. [in Farsi]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad ibn Noman. 1992. *Awael al-Maghalat fi al-Mazaheb wa al-Mokhtarat (Primary Statements in Denominations and Anthologies)*, Qom: The World Conference of al-Sheikh al-Mofid. [in Arabic]

- Mojtabayi, Fathollah. 2019. "Ibn Sina", in: *The Great Islamic Encyclopedia*, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Foundation, vol. 4, Article 1356.
- Ruhi Barandaq, Kawus; Amini, Noruz. 2015. "Mana wa Mesdaq Esm Zaher wa Esm Maknun Khoda dar Rewayat Ibrahim ibn Omar (Meaning and Instance of the Apparent Name and the Hidden Name of God in the Narration of Ibrahim ibn Omar)", in: *Esra Wisdom*, no. 23, pp. 5-26. [in Farsi]
- Sadeghi, Marziyeh. 2009. "Tarh Ashti Taradof Sinawi wa Eyniyat Sadrayi dar Bab Sefat Elahi (Reconciliation Plan of Ibn Sina's Synonymy and Sadra's Objectivity on Divine Attributes)", in: *Kherad Nameh Sadra*, no. 56, pp. 45-53. [in Farsi]
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim. 1981. *Al-Hekmah al-Motaliyah fi al-Asfar al-Arbaah al-Aghliyah (The Transcendent Wisdom in the Four Intellectual Journeys)*, Beirut: Heritage Revival House, Third Edition. [in Arabic]
- Sadugh, Mohammad ibn Ali. 2019. *Al-Tawhid (Monotheism)*, Qom: Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Seyyed Razi. 1993. *Nahj al-Balagheh*, Qom: Al-Hejrah House, First Edition. [in Arabic]
- Shahrestani, Mohammad ibn Abd al-Karim. 1985. *Al-Melal wa al-Nehal (Nations and Schools)*, Qom: Third Edition. [in Arabic]
- Sobhani, Jafar. 1991. *Al-Elahiyat ala Hoda al-Ketab wa al-Sonnah wa al-Aql (Theology based on the Guidance of the Book, Sunnah, and Intellect)*, Qom: The World Center for Islamic Studies. [in Arabic]
- Sobhani, Jafar. 1996. *Bohuth fi al-Melal wa al-Nehal (A Companion to Nations and Schools)*, Qom: Imam Sadeq (AS) Institute. [in Arabic]
- Sobhani, Jafar. 2012. "Tohid Sefati (Unity of Attributes)", in: *Islamic Theology*, yr. 21, no. 84, pp. 7-24. [in Farsi]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hosayn. 1996. *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Yardstick of the Interpretation of the Quran)*, Qom: Islamic Publishing Library. [in Arabic]
- Zabihi, Mohammad. 2004. "Ettehad Mafhumi wa Mesdaq Zati wa Sefat Wajeb Taala az Didgah Ibn Sina (Conceptual and External Unity of Necessary Being's Essence and His Attributes from the Perspective of Ibn Sina)", in: *Religious Thought*, no. 13, pp. 29-46. [in Farsi]
- Zabihi, Mohammad; Irajiniya, Azam. 2009. "Sefat Elahi az Negah Ibn Sina wa Thomas Aquinas (Divine Attributes from the Viewpoint of Ibn Sina and Thomas Aquinas)", in: *Philosophy of Religion*, no. 2, pp. 29-58. [in Farsi]

«اتحاد مفهومی صفات الاهی» در آموزه‌های اسلامی: بررسی دیدگاه ابن‌سینا / ۴۹

Zabihi, Mohammad; Irajiniya, Azam. 2014. "Barresi Wujudshenakhti Sefat Elahi az Didgah Ibn Sina Hamrah ba Naqd Molla Sadra (Ontology of Divine Attributes from Ibn Sina's Viewpoint along with Molla Sadra's Critique)", in: *Ontological Studies*, yr. 3, no. 6, pp. 25-44. [in Farsi]

Zamani, Mahdi. 2015. "Molahezat Manashenakhti dar Tahlil Masaleh Ettihad wa Taghayor Mafhumi Sefat Khodawand az Didgah Ibn Sina wa Molla Sadra (Semantic Reflections in the Analysis of the Problem of Conceptual Unity or Distinction of God's Attributes from the Perspective of Ibn Sina and Molla Sadra)", in: *Philosophy of Religion*, yr. 12 , no. 2, pp. 259-290. [in Farsi]